

از شعله ور کردن آتش جنگ خودداری کنید جنگ برای اکثریت اهالی فاجعه آفرین و برای اقلیت لاشخوران جنگی ارمغان آور نگ و نفرت بر جنگ افروزان و جنایتکاران جنگی گسترده ترو مستحکم تر باد همبستگی اکثریت اهالی جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا-اسرائیل و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت حکومت اسلامی در ایران

- گزارش نهایی کارزار حمایت از زندانیان

- بازنشستگان و جنبش ژینا

- بیانیه کانون صنفی معلمان تهران در محکومیت تأیید حکم اعدام شریفه محمدی

- بیانیه بازنشستگان مطالبه گر تامین اجتماعی کرمانشاه در حمایت از بازنشستگان احضار شده ی گیلان

- بیانیه شورای تشکل های مدنی مریوان در محکومیت اخراج و صدور احکام صادره علیه معلمان کوردستان

- بیانیه انجمن فرهنگیان هرسین در محکومیت احکام صادره برای معلمان کوردستان.

- بدون شک در تاریخ پنهان نخواهد ماند بیدادی که بر معلمان آزاده کوردستان روا داشته شده است .

بیانیه انجمن صنفی فرهنگیان اسلام آباد غرب در محکومیت احکام نا عادلانه علیه معلمان آزاد اندیش کوردستان

- "بیانیه کانون صنفی مستقل فرهنگیان آذربایجان در محکومیت سرکوب معلمان کوردستان"

- احضار ۴ فعال بازنشستگان گیلان شدیداً محکوم است!

- پشتیبانی کوهنوردان سنندج و کرمانشاه از معلمان محکوم‌شده در شهرهای مختلف کوردستان

- کودتای خاموش علیه صنعت نفت؛ خیانتی که در سکوت اتفاق می‌افتد.

- ناکارآمدی و بی‌کفایتی مدیریت سامانه یک در مهیا کردن سرویس ایاب و ذهاب برای کارگران توقفگاه غرب (استادیوم آزادی)

- اعتراض دانشجویان بهشتی نسبت به وضعیت نابسامان خوابگاه‌های قائم‌مقام و بلوار کشاورز تهران

- جان باختن یک کارگر مقتی در مشهد بر اثر سقوط در چاه

- جان باختن یک کارگر شهرداری سمنان حین کار بر اثر تصادف

*گزارش نهایی کارزار حمایت از زندانیان

محمد حبیبی سخنگوی شورای هماهنگی

کارزار حمایت از زندانیان که بافراخوان شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران از بعد از حمله اسرائیل به زندان اوین و در راستای حمایت از زندانیان تشکیل شد، که با استقبال طیف‌های مختلفی از نیروهای سیاسی و مدنی و معلمان و هموطنان و شهروندان عزیز مواجه شد و با نزدیک به دو هزار و پانصد امضا به پایان رسید.

نگاهی به اسامی امضاکننده‌ی کارزار نشان می‌دهد که علاوه بر معلمان و فعالان صنفی معلم و اعضای تشکل‌های صنفی، در میان امضاکنندگان، خانواده‌های دادخواه، زندانیان سیاسی سابق، فعالان کارگری، فعالان بازنشستگی، فعالان حقوق زنان، زندانیان سیاسی، فعالان دانشجویی، فعالان حقوق بشر، هنرمندان و فعالان سیاسی و مدنی از طیف‌ها و جریانات مختلف نیز وجود دارند. برای شورای هماهنگی مایه مباهات است که از این اعتماد عمومی برخوردار است و می‌تواند حول یک مسأله مهم انسانی، اخلاقی و اجتماعی یعنی وضعیت رفاهی زندانیان اعم از سیاسی و غیر سیاسی چنین اشتراک نظر و همبستگی ایجاد نماید.

اما آنچه حایز اهمیت بیشتری است، استقبال از این کارزار از سوی شهروندان است که لزوماً نامی پیدا در سپهر سیاسی و اجتماعی ایران ندارند. از آنجا که به باور ما هر گونه تغییر و تحول بنیادین و اصیل نیازمند حضور و تأثیرگذاری تک‌تک شهروندان در سرنوشت اجتماعی و سیاسی است، این مواجهه عقلانی/ انسانی از اهمیت بیشتری برخوردار است. چرا که در سیستم‌های سیاسی همچون نظام سیاسی حاکم بر ایران، سپهر پنهان و متن زندگی اجتماعی است که محور اصلی تغییرات مثبت خواهد بود. و لازمه آن پذیرش مسئولیتهای اجتماعی از سوی همه شهروندان است. حمایت گسترده شهروندان «گمنام» از چنین کارزارهایی موجبات افزایش قدرت اجتماعی برای تغییرات سرنوشت ساز خواهد بود.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن تشکر از همه شهروندان و فعالان مدنی و سیاسی بابت حسن اعتمادشان به این کارزار و حمایت از زندانیان، تاکید دارد که افزایش قدرت اجتماعی مردم برای ایجاد تحولات پایدار نیازمند افزایش همبستگی اجتماعی از طریق پیوند میان جنبش های اجتماعی و باور به این مهم است، که تک تک شهروندان نقشی بنیادین در ایجاد تحولات اساسی دارند. امید که کارزارهایی این چنینی زمینه همبستگی های بیشتری را فراهم آورد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

***بازنشستگان و جنبش ژینا**

اسماعیل گرامی (کارگر بازنشسته)

شهریور ماه آمد؛ ماهی که بر تارک آن مهر جنبش ژینا خورده است و در تاریخ کشور ما همواره شهریور ماه تداعی بخش این جنبش خواهد بود !

مهسا (ژینا) امینی دختر ۲۱ ساله در تاریخ ۲۲ شهریور ۱۴۰۱، پس از دستگیری از سوی گشت ارشاد در تهران، در اثر ضربات مأموران گشت ارشاد و پلیس امنیت اخلاقی دچار شکستگی جمجمه و مرگ مغزی شد. مهسا امینی سه روز بعد، در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱، بر اثر شدت جراحات ناشی از ضربات وارده، در بیمارستان درگذشت. درگذشت او، موجب بروز واکنش ها و اعتراضات گسترده ای در نقاط مختلف ایران شد .

مرگ مهسا جرقه ای شد که تمامی زحمتکشان در سراسر کشور به خیابانها آمدند؛ از پُر رنگترین خطوط قرمز رد شدند و نفرت خود را از حکومت نشان دادند. تنها عامل نجات دهنده حکومت؛ فقدان یک خط مشی سیاسی برانداز بود که این توده گرسنه به آن اعتماد کرده و حول آن جمع شوند. همین فقدان؛ زمینه سرکوب جنبش را فراهم کرد. در کنار تمامی شعارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که نشان دهنده فقر و فلاکت مردم زحمتکش بود، این جنبش از همان ابتدا با یک دهن کجی گنده به حکومت یعنی نفرت معترضین از "حجاب اجباری" شکل گرفت. چه بسیار از زنان و دخترانی که با چادر و روسری و حفظ حجاب خود همپای دیگر دختران و زنان بدون چادر و روسری در کوچه و خیابان علیه "حجاب اجباری" فریاد زدند و نشان دادند که حجاب امری نسبی و شخصی میباشد .

هر چند جنبش ژینا مانند آتشی زیر خاکستر سرکوب شد ولی زنان و دختران و جوانان، پیروزی خود در بدست آوردن لغو "حجاب اجباری" را هر روز شجاعانه به نمایش گذاشته و میگذارند. حکومت که بارها و بارها با طرح های مختلف تلاش نموده این سنگر از دست داده را مجددا تسخیر نماید؛ حال بدنبال یک راه حل آبرومندانه برای پذیرش این شکست میباشد؛ هر چند هنوزم که هنوز است بعضی از مسئولین قشری حکومت از ته چاه ارتجاع این حجاب اجباری را زوزه میکشند. رقص دختران جسور در خیابانها آخرین میخی بود که بر تابوت پوسیده "حجاب اجباری" کوبیده شد. اگر این دختران جسور با رقص خود آخرین میخ را بر تابوت پوسیده "حجاب اجباری" کوبیدند، دختران جسور دیگری بدون "حجاب اجباری" در صف عزاداری؛ زنجیر زنان، ظلم مضاعف و اجحافی که چندین سال بر آنها روا داشته شده بود را بر روی این تابوت استفرغ کردند.

همسویی جنبش بازنشستگان با جنبش مهسا علاوه بر تمامی نارضايتی ها آنجا بیشتر خود را نشان میدهد که هر دو جنبش بطور مشخص در مبارزه علیه تبعیض و ظلم مردسالارانه همصدا بوده اند. اگر چه این تبعیض و ظلم حکومت در آیتام های پرداختی در فیش حقوقی زنان بازنشسته کاملاً مشهود است؛ اما این زنان خواهان آزادی های اجتماعی و سیاسی نیز میباشند؛ از همین جهت؛ لغو این تبعیض ها همیشه در دستور کار مطالبه گران بازنشسته بوده است که مسلماً شیوه مطالبه گری برای این خواسته ها نه گفتار درمانی بلکه همچون دیگر خواسته ها در کف خیابان میباشد .

اما در بین ما هستند افرادی که بر این اعتقادند که لغو "حجاب اجباری" از خواسته های ما بازنشستگان نیست و ما بازنشستگان فقط خواسته های "اقتصادی" داریم! این علفهای هرز همان کسانی هستند که در زمان اشتغال وقتی ما برای افزایش حقوقهای پایین خود (در حقیقت همان اقتصاد) معترض میشدیم؛ آنها با ذهنیت قشری و ارتجاعی خود در مقابل اعتراضات ما میایستادند و به ما میگفتند "اقتصاد مال خره."

ما بازنشستگان علاوه بر خواسته های اقتصادی؛ دارای خواسته های اجتماعی و سیاسی نیز هستیم. مگر میشود نسبت به نابودی محیط زیست کشور خود و یا کمبود آب و برق بی تفاوت باشیم؟ مگر میشود کولبری با شلیک یکی از مرزبانان کشته شود و ما مو سفید شدگان بگوییم ربطی به ما ندارد و ما فقط باید ب فکر افزایش حقوق خود باشیم؟

این روزها که یادی میکنیم از جنبش ژینا (که مسلماً نباید آنرا فقط به لغو حجاب اجباری محدود کرد)، بخاطر بسپاریم که پیروزی جنبش ژینا بر "حجاب اجباری" دگر بار به ما بازنشستگان نشان داد که مطالبه گری در کف خیابان چه قدرت بالایی دارد!

۳۱ مرداد ۱۴۰۴

***بیانیه کانون صنفی معلمان تهران در محکومیت تأیید حکم اعدام شریفه محمدی**

در سالهای اخیر، بهویژه پس از جنبش ژینا/مهسا، صدور و اجرای احکام اعدام برای فعالان سیاسی و مدنی با شتابی فزاینده همراه بوده است؛ روندی که یادآور روزگار سیاه دههی شصت در حافظهی جمعی مردم ایران است. این موج سرکوب، بهویژه پس از جنگ دوازده روزه اخیر، شدت بیشتری یافته و شاهد افزایش صدور فلهای احکام اعدام و اجرای آنها علیه زندانیان سیاسی و امنیتی بوده ایم.

بر اساس گزارش نهادهای مستقل حقوق بشری، هم اکنون دست کم ۵۶ زندانی سیاسی و امنیتی در زندانهای ایران با احکام اعدام مواجه اند و در انتظار اجرای حکم بهسر می برند. در تازهترین مورد، حکم اعدام شریفه محمدی، فعال کارگری، توسط دیوان عالی کشور تأیید شده است؛ حکمی که نه تنها با معیارهای عدالت و حقوق بشر مغایرت دارد، بلکه حتی بر پایهی قوانین جزایی خود جمهوری اسلامی نیز غیرقابل توجیه است. این در حالی است که پیشتر همین حکم به دلیل نقصهای متعدد از سوی دیوان عالی نقض شده بود.

همچنین دو زن زندانی سیاسی دیگر، پخشان عزیزی و وریشه مرادی، با خطر جدی اجرای احکام ناعادلانهی اعدام روبهرو هستند .

روشن است که حاکمیت، در مواجهه با بحران‌های عمیق ناشی از ناکارآمدی و فساد ساختاری چهار دهه‌ی گذشته، می‌کوشد با توسل به خشونت و احکام ظالمانه، پاسخی سرکوبگرانه و نابخردانه به مطالبات جامعه بدهد. اما تجربه نشان داده است که چنین اقداماتی نه تنها مانع خیزش آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی مردم ایران نشده، بلکه همواره به گسترش اعتراضات اجتماعی انجامیده است.

کانون صنفی معلمان تهران به عنوان یک نهاد صنفی و مدنی، بار دیگر بر این مطالبات اصولی و انسانی تأکید می‌کنیم:

۱. لغو مجازات اعدام در کلیت آن، اعم از سیاسی و غیرسیاسی، ضرورتی فوری است؛ چراکه این مجازات غیرانسانی در هیچ تجربه‌ای بازدارنده نبوده و برعکس بر چرخه‌ی خشونت در جامعه افزوده است.

۲. آزادی فوری و بی‌قیدوشرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی، نخستین گام ضروری برای خروج کشور از بحران‌های موجود است.

۳. کانون صنفی معلمان تهران به‌طور مشخص خواستار لغو احکام اعدام سه زن زندانی سیاسی شریفه محمدی، پخش‌ان عزیزی و وریشه مرادی و آزادی هرچه سریع‌تر آنان است.

ما بر این باوریم که صدای اعتراض فرهنگیان، پژواکی است از وجدان بیدار جامعه که در برابر ظلم و ناعدالتی سکوت نخواهد کرد.

#نه_به_اعدام

#زندان_سیاسی_و_عقیدتی

#شریفه_محمدی

#پخش‌ان_عزیزی

#وریشه_مرادی

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) ۱/۶/۱۴۰۴

***بیانیه بازنشستگان مطالبه گر تامین اجتماعی کرمانشاه در حمایت از بازنشستگان احضار شده ی گیلان**

بدنبال سرکوب وسیع معترضین و فعالین حوزه های گوناگون از کارگران گرفته تا معلمان و زنان و دانشجویان که بدنبال جنگ ۱۲ روزه با بازداشت و اخراج و احضار فعالین همراه گردیده و وخیم تر شدن شرایط زندگی بخاطر کمبود انرژی و تبعات سنگین آن در کنار افزایش بی سابقه و مهار نشدنی نرخ تورم ، از سوی دادرسی رشت برای ۴ تن از فعالین میدانی بازنشسته گیلان به نامهای خانم **#شهره_کسایی** و آقایان **#یونس_آزادبر**، **#امیروقاری** و **#ابراهیم_دانش_پژوه** احضاریه صادر شده است .

البته این احضارها و فشارهای امنیتی امر تازه ای نیست و از سالها قبل هر جا پای حق خواهی و حق طلبی به میان آمده ، جای شاکی و متهم را عوض کرده اند !

قبلا نیز فعالین بازنشسته کرمانشاه ، اهواز ، شوش تهران و سایر شهرستانها با بازداشتها و احضارهای مکرر و انواع فشارهای امنیتی مواجه شده اند که هیچ نتیجه ای برای عوامل سرکوب در بر نداشته و بازنشستگان بر مطالبه حقوق قانونی خود مصرتر گشته اند .

یقینا اگر قوه قضاییه مستقلى وجود مى داشت ، بایستی گریبان مسئولینی را مى گرفتند که با سوءمدیریت و رانت و اختلاس، مردم را در این جهنم سوزان به حال خود رها نموده اند و مى باید با آنها برخورد عاجل صورت مى گرفت!

در مورد بازنشستگان تامین اجتماعی نیز بایستی دولت ابربدهکار را بخاطر به انحصار درآوردن و تبدیل سازمان و اموال بین النسلی آن که سرمایه اش حاصل دسترنج سی ساله ی کارگران و بازنشستگان است و هیچ ارتباطی به دولت ندارد را ملزم به اجرای تعهداتش مینمود .

ولی از آنجا که چاقو دسته ی خود را نمی برد، بازنشسته ی ستمدیده و غارت شده را در مظان اتهام و تهدید قرار میدهد.

با پامال نمودن مواد ۹۶ و ۵۴ قانون تامین اجتماعی؛ معیشت و درمان ما بازنشستگان آنچنان به محاق رفته که حقوق های چند برابر زیر خط فقر به هیچ وجه کفاف زندگی را نمی دهد و از طرفی مافیای دارو و درمان نیز با افزایش بی وقفه خدمات درمانی، سلامت کل جامعه را با خطر جدی مواجه کرده است .

در این بین ما بازنشستگان با خستگی همراه با خشم و انزجار از وضع موجود ، علیرغم کهولت سن و ناتوانی های جسمانی ناچار به حضور در کف خیابان به عنوان تنها سنگر موجود زحمتکشان شده ایم .

لذا ما بازنشستگان مطالبه گر کرمانشاه به همراه سایر انسانهای آزادیخواه هر گونه تهدیدی علیه دادخواهان زندگی و معترضین شرایط غیر قابل تحمل موجود ، به ویژه احضار اخیر چهار تن از بازنشستگان گیلان را محکوم نموده و اعلام می داریم که تمام راههای مطالبه گری از جمله حضور در کف خیابان را تا محقق شدن خواسته هایمان ادامه داده و تهدید و احضار ظالمانه، ذره ای بر اراده ی جمعی ما کارگر نخواهد افتاد و همچنان بر این پیمان خود پایبندیم که

"تجمع، اعتراض ، علیه فقر و فساد ، حق مسلم ماست".

جمعی از بازنشستگان مطالبه گر کرمانشاه

۱/۶/۴۰۴

***بیانیه شورای تشکل های مدنی مریوان در محکومیت اخراج و صدور احکام صادره علیه معلمان کوردستان**

بی‌گمان آموزش و پرورش زیربنای بنیادین فرهنگ و توسعه‌ی هر جامعه است. روشن است که سرمایه‌ی اصلی این نهاد، نیروی انسانی متعهد، دلسوز و توانمند آن است. معلمان نه تنها نیرویی کارآزموده و حرفه‌ای در عرصه‌ی پرورش نسل آینده‌اند، بلکه با اندیشه و تعهد انسانی، همواره دانش‌آموزان را با مفاهیم آزادی و عدالت آشنا ساخته و یار و همراه همیشگی آنان بوده‌اند.

رسالت بزرگ معلمان دفاع از حقوق فردی و اجتماعی آحاد جامعه است. آنان در کنار آموزش و تربیت نسل جوان، از مهم‌ترین مدافعان حقوق دانش‌آموزان بوده و در مسیر عدالت اجتماعی و احقاق حقوق شغلی و صنفی خود و شاگردانشان همواره کوشیده‌اند.

کوردستان در گذر تاریخ، همواره کانونی پیشرو در پاسداری از ارزش‌های انسانی و تلاش برای تحقق آنها بوده است. در این مسیر، فداکاری‌ها و ایثارهای ماندگاری بر جای نهاده و معلمان کوردستان، برآمده از همین زمینه‌ی فرهنگی، اجتماعی و تاریخی‌اند؛ از این‌رو طبیعی است که در صف نخست آزادی‌خواهان، عدالت‌طلبان و فرهیختگان کنش‌گر مدنی قرار گیرند.

در دو دهه‌ی اخیر، معلمان کوردستان همگام با دیگر معلمان ایران برای احقاق حقوق خود و دانش‌آموزان، فعالیت‌های مدنی گسترده‌ای را آغاز کرده‌اند. خصلت فرهنگی و اجتماعی این تلاش‌ها، امیدی تازه در دل مردم این سرزمین برای بهبود وضعیت و واداشتن دولت‌ها به پاسخگویی پدید آورده است.

امروز که ایران با بحران‌های عمیق اقتصادی و اجتماعی همچون تبعیض، بیکاری، تورم و فروپاشی خدمات ابتدایی و زیربنایی چون آب و برق دست به گریبان است، دولت به جای چاره‌جویی و اصلاح سیاست‌های ناکارآمد چندین دهه‌ی گذشته، توان خود را صرف سرکوب اعتراضات و کنش‌گری مدنی مردم کرده است.

صدور احکام ناعادلانه و ظالمانه‌ی مدیریت و وزارت آموزش و پرورش علیه معلمان، به‌ویژه در کوردستان، در سال‌های اخیر این حقیقت را آشکار ساخته که حاکمیت سیاسی و اداری، اراده و توانی برای حل مشکلات گسترده‌ی کشور ندارد. پرونده‌سازی و امنیتی‌کردن فعالیت‌های فرهنگی و صنفی معلمان، نشانه‌ای از ضعف و ناتوانی مسئولان آموزش و پرورش در کوردستان است.

اخراج، تبعید، انفصال از خدمت، بازنشستگی اجباری و دیگر احکام ناعادلانه‌ی اخیر علیه جمعی از معلمان کوردستان، از جمله:

#مجید_کریمی #غیاث_نعمتی #کاوه_محمدزاده #امید_شاه‌محمدی #هیوا_قریشی #پرویز_احسنی
#جهانگیر_بهمنی #نسرین_کریمی #لیلا_زارعی #سلیمان_عبدی #لقمان_الله‌مرادی
#صلاح_حاجی‌میرزایی #شهرام_کریمی #لیلا_سلیمی #فیصل_نوری #سمیه_اخترشمار

به‌روشنی گواه چنین رویکرد سرکوبگرانه‌ای است.

شورای تشکل‌های مدنی مریوان ضمن محکوم‌کردن این احکام ناعادلانه، بر حمایت همه‌جانبه از معلمان کوردستان، به‌ویژه معلمانی که حقشان پایمال شده و نیز بر پشتیبانی از فعالیت‌های مدنی و

صنفي آنان تأكيد مي‌نمايد. بدین‌وسيله از حاکميت و مديران آموزش و پرورش خواسته مي‌شود که فوراً اين احکام ظالمانه لغو گردد.

بي‌ترديد جامعه‌ی مدنی کوردستان، به‌ويژه فرهنگيان فرهيخته، نسبت به اين رويداد حساس‌اند و اين حساسيت تنها زمانی برطرف خواهد شد که تمامی احکام صادره لغو و معلمان اخراجی به جایگاه شایسته‌ی خود در مدارس و میان دانش‌آموزان بازگردند.

#شورای_تشکل‌های_مدنی_مريوان:

۱-انجمن فرهنگي - ادبي روجيار

۲-کانون سلامت ژين

۳-کانون علمی - فرهنگي رُونان

۴-انجمن سبز چيا

۵-انجمن فرهنگي -ادبي مريوان

۶-کانون فرهنگي- هنري قه‌ژين

۷-انجمن مردمی پيشگيري از اعتياد (ژيانه‌وه)

۸-انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی مريوان و سروآباد

۱ شهریور ۱۴۰۴

***بیانیه انجمن فرهنگيان هرسين در محکوميت احکام صادره برای معلمان کوردستان.**

طبیعت، روان و جان را به آدمی عرضه می‌دارد و معلم خرد را به او می‌بخشد تا چون موجودی اندیشه ورز و خردمند زندگی انسانی را معنا بخشد، و انسان خردمند کسی نیست جز آن کسی که زندگی جمعی را بنیاد می‌نهد و عدالت و همزیستی را می‌فهمد و با تفکر و اندیشه ورزی و با شک و تفسیر جهان حقیقی، زیست در جهان جانکاه را تحمل پذیر می‌نماید، با صدور احکام اینگونه و برخوردهای نابخردانه با سرچشمه‌های زایش و خرد و اندیشه ورزی، اندک امیدی برای انسان‌های امیدوار و مشتاق زندگی شایسته باقی نمی‌گذارد، معلمانی که در دارازای تاریخ آموزگاران و بنیانگذاران فرهنگ و دانش و زندگی انسانی و بخردانه بوده‌اند.

انجمن فرهنگيان هرسين ضمن محکوم نمودن احکام صادره برای معلمان کوردستان

#مجید_کریمی/ اخراج از کار

#غیاث_نعمتی / اخراج از کار

##صلاح_حاجی_ميرزایی / اخراج موقت

#نسرین_کریمی / بازنشستگی اجباری

#لیلا_زارعی / بازنشستگی اجباری

#لیلا_سلیمی / دوماه انفصال از خدمت

#فیصل_نوری / تبعید به کرمانشاه

#شهرام_کریمی / انفصال از کار

#لقمان_الله_مرادی / انفصال از کار

#سلیمان_عبدی / بازنشستگی اجباری

#جهانگیر_بهمنی / اخراج از کار

#پرویز_احسنی / اخراج از کار

#هیوا_قریشی / اخراج از کار

#امید_شاه_محمدی / اخراج از کار

خواهان لغو تمامی احکام بوده و از مقامات ذیربط می‌خواهد با تجدید نظر در نوع برخورد با قشر فرهنگی که با احساس وجود عدالت و آزادی بیان برای دستیابی به حقوق اولیه خود آگاهانه و خردمندانه معترض حقوق پایمال شده‌ی خود و ستم مضاعف به دانش‌آموزان بوده و سیستم ناکارآمد اداری و آموزشی را نقد میکند، تجدید نظر نموده و بیش از این جامعه را از آموزش و پرورش فرزندان خود ناامید نکند.

انجمن فرهنگیان هرسین

اول شهریور ماه ۱۴۰۴

***بدون شک در تاریخ پنهان نخواهد ماند بیدادی که بر معلمان آزاده کوردستان روا داشته شده است .**

بیانیه انجمن صنفی فرهنگیان اسلام آبادغرب در محکومیت احکام نا عادلانه علیه معلمان آزاد اندیش کوردستان

بار دیگر مثل همیشه حاکمیت با نادیده گرفتن اصول قانون اساسی و حق شهروندی در اقدامی عجولانه و اتهاماتی واهی تعدادی از بهترین معلمان کوردستان را از رفتن به کلاس درس منع و این عزیزان را از آموزش و پرورش اخراج، تبعید و انفصال از خدمت مواجه ساخته است.

انجمن صنفی فرهنگیان اسلام آبادغرب ضمن محکوم کردن احکام صادره علیه معلمان کوردستان

#مجید_کریمی/ اخراج از کار

#غیاث_نعمتی / اخراج از کار

##صلاح_حاجی_میرزایی / اخراج موقت

#نسرین_کریمی / بازنشستگی اجباری

#لیلا_زارعی / بازنشستگی اجباری

#لیلا_سلیمی / دوماه انفصال از خدمت

#فیصل_نوری / تبعید به کرمانشاه

#شهرام_کریمی / انفصال از کار

#لقمان_الله_مرادی / انفصال از کار

#سلیمان_عبدی / بازنشستگی اجباری

#جهانگیر_بهمنی / اخراج از کار

#پرویز_احسنی / اخراج از کار

#هیوا_قریشی / اخراج از کار

#امید_شاه_محمدی / اخراج از کار

خواستار لغو تمامی احکام صادره برای این معلمان بوده و از مسئولین مربوطه می خواهد که از ادامه این مسیر اشتباه دست بردارند

انجمن صنفی فرهنگیان اسلام آباد غرب

تاریخ دوم شهریورماه ۱۳۰۴

"بیانیه کانون صنفی مستقل فرهنگیان آذربایجان در محکومیت سرکوب معلمان کردستان"

در جغرافیای ایران در حالیکه حاکمیت در تامین ابتدایی ترین نیازهای زندگی ساکنان خود از جمله آب و برق و امنیت ... درمانده شده و تورم، گرانی های افسار گسیخته، اعتیاد، فساد اداری و ... از حالت سازمان یافته به حالت سلولی نائل آمده است و در حالیکه آموزش و پرورش کشور بر اساس سیاست های گذاری های ناکارآمد گذشته زمینگیر و ورشکسته شده و به شدت با کمبود نیروی انسانی و افت کیفیت آموزش روبروست و این وزارتخانه برای جبران این کمبود، چاره کار را بر نگهداشتن نیروی انسانی و جلوگیری از بازنشستگی آنها و همچنین به کارگیری بازنشستگان بصورت استثمارگونه، روی آورده، در یک چنین وضعیتی حرلستها و هیاتهای تخلفات آموزش و پرورش در سرتاسر کشور همسو با نهادهای امنیتی و برای سرپوش گذاشتن بر ضعفهای مشروعیتی و مقبولیتی خود بدون توجه به پیامدها و آسیب ها، چاره را در سرکوب معلمان یافته اند. در تازه ترین این

برخوردها حراست و هیات تخلفات اداری استان کردستان به اخراج، انفصال، تبعید و بازنشستگی اجباری شماری از معلمان شجاع کردستان (سنندج، سقز و دیواندره) صرفاً به خاطر دفاع از منافع آموزش و پرورش و تاکید بر اصل ۳۰ قانون اساسی روی آورده است.

کانون صنفی مستقل فرهنگیان آذربایجان ضمن محکومیت شدید این اقدام ناشایست تاکید می نماید که ادامه این مسیر اشتباه و به شدت خطرناک باعث تضعیف و جایگاه آموزش و پرورش شده و همسو با دیگر ضعفها حاکمیت را دچار خسران خواهد نمود.

کانون صنفی مستقل فرهنگیان آذربایجان.

***احضار ۴ فعال بازنشستگان گیلان شدیداً محکوم است!**

شعبه چهارم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب رشت، چهار فعال بازنشستگان گیلان را به دلیل حضور در تجمع اعتراضی روزهای یکشنبه احضار کرده است.

به گزارش کانال تلگرامی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، این افراد عبارتند از: یونس آزادبر، شهره کسایی، امیر وقاری و ابراهیم دانش‌پژوه.

در ابلاغیه صادره از سوی شعبه چهارم بازپرسی دادسرای رشت، اتهام این فعالان «اخلال در نظم و آسایش عمومی» اعلام شده است.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، ضمن محکوم کردن احضار فعالین بازنشسته توسط دستگاه های زور و سرکوب، خواستار پایان یافتن به فضای رعب و وحشت می باشد، قطعاً این امر با همدلی و اتحاد و همبستگی امکان پذیر خواهد شد.

زنده باد اتحاد و همبستگی، برای رهایی از ستم، تبعیض و استثمار.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

شنبه اول شهریور ۱۴۰۴

***پشتیبانی کوهنوردان سنندج و کرمانشاه از معلمان محکوم شده در شهرهای مختلف کردستان**



روز پنجشنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۴، گروهی از کوهنوردان شهرهای سنندج و کرمانشاه با صعود موفقیت‌آمیز به قله سیلان در استان اردبیل، همبستگی خود را با معلمان کوردستان که در روزهای اخیر به احکام ناعادلانه قضایی محکوم شده‌اند، اعلام کردند.

این اقدام نمادین، پیامی از حمایت مدنی و ایستادگی در برابر فشارها و سرکوب‌ها دانسته شده و کوهنوردان شرکت‌کننده تأکید کردند که صدای اعتراض و حق‌خواهی معلمان نباید در زندان‌ها خاموش شود.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

***کودتای خاموش علیه صنعت نفت؛ خیانتی که در سکوت اتفاق می‌افتد.**

یک نامه ساده، یک جمله کوتاه، اما پشت آن دنیایی از خیانت نهفته است:

«لایحه ساماندهی حقوق کارکنان رسمی صنعت نفت هنوز از سوی وزارت نفت به دولت و مجلس ارائه نشده است.»

سال‌هاست کارکنان رسمی فریاد می‌زنند، رسانه‌ها می‌نویسند، کارشناسان هشدار می‌دهند، اما وزارت نفت با سکوتی مرموز و تعمدی، این مطالبه بدیهی را در کشوی خاک‌خورده اتاق‌هایش زندانی کرده است.

این سکوت دیگر اسمش «تعطل» نیست؛ این یک پروژه حساب‌شده است. یک کودتای بی‌صدا علیه ستون فقرات صنعتی که خون اقتصاد ایران را در رگ‌هایش جاری می‌کند.

برنامه‌ای که آرام و تدریجی اجرا می‌شود

ببینید چطور این پازل سال‌هاست تکه‌تکه کنار هم چیده می‌شود:

- سقف حقوق مضحک می‌گذارند تا نیروهای باسابقه و متخصص بعد از سال‌ها تلاش، تحقیر شوند، خسته شوند و بالاخره بروند.

- کف حقوق افتضاح تعیین می‌کنند تا هیچ نخبه جوان و هیچ متخصص تازه‌نفسی حتی نزدیک این صنعت نشود.

- پست‌های کلیدی را می‌دهند دست آدم‌های بی‌تجربه، بی‌دانش، و کاملاً گوش‌به‌فرمان. کسانی که بلندند فقط امضا کنند و دستور بگیرند، نه این‌که تصمیم درست بگیرند.

- فشارهای بیرونی و زدوبندهای سیاسی، هر تصمیم مهمی را قبل از تولد خفه می‌کنند.

این‌ها تکه‌های تصادفی یک پازل نیستند؛ این یعنی صنعت نفت را از درون خالی کن، متخصصانش را فراری بده، تا وقتی فرو ریخت، هیچ‌کس نباشد برای نجاتش.

سفره‌ای که فقط برای «خودی‌ها» پهن است

کارکنان رسمی سال‌هاست از تبعیض و تحقیر می‌گویند، اما سفره پررونق نفت برای آن‌ها نیست. این سفره فقط برای هاشم‌ها، روغنی‌ها، عظیمی‌ها، متقی‌نیک‌ها و دارودسته‌های آنان پهن است؛ همان‌هایی که نه تخصص دارند، نه دلسوزی، نه دغدغه کشور.

آن‌ها فقط آمده‌اند تا سهم خودشان را بردارند، صندلی‌شان را محکم کنند، و فردا که کشتی نفت غرق شد، اولین کسانی باشند که با جیب‌های پر از این مملکت بروند.

ترک فعل یا خیانت سیستماتیک؟

وقتی سال‌هاست متخصصان هشدار می‌دهند، رسانه‌ها می‌نویسند، کارکنان رسمی فریاد می‌زنند، و وزارت نفت باز هم لایحه‌ای ارائه نمی‌دهد، این دیگر اسمش «بی‌توجهی» نیست.

این خیانت سیستماتیک است؛ خیانتی که هدفش روشن است:

• نابودکردن انگیزه در نیروهای متخصص

• فراری‌دادن نخبگان

• بازکردن درهای صنعت نفت به روی نیروهای بی‌صلاحیت و بله‌قربان‌گو

• تبدیل‌کردن این صنعت عظیم به ملک شخصی باندهای قدرت و ثروت

فردا خیلی دیر است

مجلس، دیوان محاسبات، سازمان بازرسی، و حتی افکار عمومی باید امروز این پروژه را متوقف کنند. اگر این روند ادامه پیدا کند، فردا که متخصصان رفته‌اند و صنعت نفت دست باندهای مافیایی افتاده، دیگر هیچ لایحه و بودجه‌ای نمی‌تواند این خرابه را دوباره زنده کند.

صنعت نفت ایران دارد آرام‌آرام از درون تهی می‌شود. این فقط بحران حقوق و مزایا نیست؛ این زنگ پایان استقلال صنعتی و اقتصادی کشور است اگر امروز جلویش را نگیرید.

منتشره در شبکه های اجتماعی بتاريخ یکم شهریور

***ناکارآمدی و بی‌کفایتی مدیریت سامانه یک در مهیا کردن سرویس ایاب و ذهاب برای کارگران توقفگاه غرب (استادیوم آزادی)**

با توجه به گستردگی جغرافیایی سامانه یک و متمرکز نشدن این سامانه در یک منطقه جغرافیایی، پرسنل زیرمجموعه این سامانه، علی‌الخصوص بخش تعمیرگاهی و توقفگاه، همیشه در حال جابجا شدن هستند. ولی متأسفانه به خاطر ناکارآمدی و بی‌کفایتی مدیریت سامانه، در این جابجایی کارگران از حق قانونی خودشان که سرویس ایاب و ذهاب می‌باشد، همیشه بی‌بهره می‌شوند و در حق آنها اجحاف زیادی می‌گردد. کارگران مجبور هستند به جای استفاده از سرویس، از وسیله شخصی استفاده نمایند و یا اینکه برای رفت‌وآمد با هزینه‌های شخصی از اسنپ استفاده کنند که این منجر به متحمل شدن هزینه‌های اضافی و غیرقانونی به کارگران می‌گردد.

مدیریت ناکارآمد سامانه یک، به خاطر چابک‌پلوسی و برای حفظ جایگاه خود که چند صباحی بیشتر در رأس مدیریت برای چپاول باقی بماند، سعی می‌کند برای کاهش هزینه‌ها دست در جیب کارگران و رانندگان ببرد و سرویس‌های سامانه را فقط در بخش اداری و مدیریتی واقع در پاستوریزه متمرکز

کند. سایر کارگران سامانه که در توقفگاه‌ها مشغول به کار هستند، نمی‌توانند از این سرویس‌ها استفاده کنند و این تبعیضی آشکار بین کارگران و کارکنان اداری نزدیک به مدیریت می‌باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، به مدیریت بی‌کفایت سامانه یک هشدار می‌دهد تا دستش را از جیب کارگران بیرون نکشد و به رفاهیات و سرویس‌های کارگران توجه نماید. همچنین، سندیکا از تمامی همکاران می‌خواهد برای جلوگیری از اجحاف حق قانونی خودشان، اعتراضات خود را به اشکال گوناگون به مدیریت و مسئولین ابراز نمایند و در صورت بی‌توجهی مدیریت، برای پیگیری این موضوع به مراجع ذیصلاح مراجعه و ثبت شکایت کنند.

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

اول شهریور ۱۴۰۴

***اعتراض دانشجویان بهشتی نسبت به وضعیت نابسامان خوابگاه‌های قائممقام و بلوار کشاورز تهران**

جمعی از دانشجویان ساکن خوابگاه‌های قائممقام و بلوار کشاورز در متنی اعتراضی، از وضعیت نابسامان خوابگاه‌ها گفتند.

بنابه گزارش‌های منتشره در شبکه‌های اجتماعی، در این متن آمده است: علی‌رغم اطلاع‌رسانی دانشگاه مبنی بر آماده‌سازی خوابگاه‌ها برای اسکان دانشجویان در ایام امتحانات، از همان روزهای نخست با مشکلات متعدد و اساسی مواجه بوده‌ایم.

دانشجویان به مشکلاتی چون قطعی و کم‌فشاری آب در تمامی طبقات (به‌ویژه طبقات بالاتر)، گرمای طاقت‌فرسا و بلااستفاده بودن کولرها، وجود سوسک و سایر حشرات در اتاق‌ها و فضاهای خوابگاه اشاره کردند.

ساکنان خوابگاه‌های قائممقام و بلوار کشاورز، خواستار رسیدگی فوری و عملی به این مشکلات و تأمین امکانات اولیه رفاهی شامل آب پایدار، سرمایش مناسب و بهداشت محیط شدند و تاکید کردند: در صورت تداوم این وضعیت و بی‌توجهی به مطالبات بحق دانشجویان، ناگزیر خواهیم بود موضوع را از طریق مراجع قانونی و رسانه‌ای پیگیری نماییم. همچنین در صورتی که شرایط تا روز دوشنبه تغییر نکند، رأس ساعت ۱۲ ظهر مقابل سلف مرکزی دانشگاه تجمع اعتراضی برگزار خواهیم کرد.

***جان باختن یک کارگر مقتی در مشهد بر اثر سقوط در چاه**

روز شنبه یکم شهریور، یک کارگر مقتی 42 ساله حین کار در 80 کیلومتری جاده کلات به مشهد بر اثر سقوط در چاه جان باخت.

***جان باختن یک کارگر شهرداری سمنان حین کار بر اثر تصادف**

یکشنبه شب(2 شهریور)، یک کارگر شهرداری سمنان حین کار بر اثر تصادف تانکر آب در حال آبیاری فضای سبز باوی جان خود را از دست داد.

akhbarkargari2468@gmail.com